فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره جدید، شماره بیست و دوم، زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۸۴-۱۶۵ New Period, No 22, 2020, P 165-184
شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

بررسی تاثیر اتخاذ سیاست‌های محافظه کارانه بر عملکرد جاری شرکت با در نظر گرفتن استقلال و ترکیب هئیت مدیره و اندازه شرکت با استفاده از تجزیه و تحلیل رگرسیوونی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

رضا پزشکی زاده[۱]. رضا هاشمیان[۲]

۱. دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز. ایران

۲. دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز. ایران

چکیده

هدف این مقاله، روشن کردن اثر تعدیل کننده‌ی هیات مدیره در ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد شرکت‌ها است. مطالعات قبلی، تاثیر حاکمیت شرکتی[۱] روی سطح محافظه‌کاری حسابداری را بررسی کرده‌اند. هدف ما، مطالعه‌ی تاثیر روی ارتباط بین سطح محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد یک مکانیسم حاکمیت مرکزی، یعنی هیات مدیره، است. با استفاده از نمونه‌ای از ۶۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۵، ما به بررسی تاثیر اندازه، ترکیب، و ساختار یک چنین مکانیسمی روی ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد شرکت‌های می‌پردازیم. بنابراین، اغلب یافته‌های ما از تاثیر تعدیل کننده‌ی یک چنین مکانیسمی را که توسط مطالعات قبلی نادیده گرفته شده یا رد شده است پشتیبانی می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: هیات مدیره، اثر تعدیل کننده، محافظه‌کاری حسابداری، عملکرد.

1. corporate governance

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

پیشگفتار

ما در حال حاضر شاهد مجموعه‌ای از توصیه‌ها درباره‌ی حاکمیت و کیفیت اطلاعات حسابداری افشا شده توسط شرکت‌های بزرگ هستیم. چنین توصیه‌هایی می‌توانند نقص‌ها را به منظور حل کردن یا کنترل آن‌ها تشخیص دهند [۱]. در این زمینه، محافظه‌کاری حسابداری، ابزاری است که اغلب برای ارزیابی کیفیت استانداردهای حسابداری استفاده می‌شود. طبق کادبری و مالین[1] سیستم حاکمیت، نیاز به کیفیت خوب اطلاعات برای حذف یا کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران اجرایی شرکت و ذینفعان آن‌ها دارد [۲، ۳]. سیستم‌های حاکمیت در عین حال می‌توانند قدرت و تاثیر ارتباط بین اطلاعات حسابداری و عملکرد را تعدیل کنند. نقش آن‌ها از نظر عوامل و ابزار، ضروری است. طبق نظر گری[2] محافظه‌کاری حسابداری، یک معیار حسابداری محتاطانه در برخورد با عدم قطعیت رویدادهای آینده است. این عملکرد، طبق سیستم‌های انگلو-ساکسون[3] یا حسابداری اروپایی تغییر می‌کند [۴]. ببچانک و روئه[4] دو منبع وابستگی به حاکمیت شرکت را شناسایی کردند [۵]. منبع اول توسط ساختارهایی که از قبل وجود داشته‌اند هدایت می‌شود و منبع دوم توسط قوائد قانونی حاکم بر روابط بین سهامداران، سرمایه‌گذاران و رهبران هدایت می‌شود. دفینز و گویگو[5] سعی در توضیح تفاوت‌های دائمی در ساختارهای حاکمیت، به ویژه بین آمریکا و اروپا داشتند و روش‌های مختلفی را برای پیروی توسط کشورهایی که بر اساس سیستم‌های قانونی مختلف پایه‌گذاری شده‌اند ارائه دادند [۶].

به گفته‌ی مانکز[6] حاکمیت شرکتی، وسیله‌ای است که تصمیم گیرندگان غالب (معمولا مدیران) با استفاده از آن، توسط سایر ذینفعان کنترل می‌شوند. ساختار حاکمیت، تخصیص حقوق و مسئولیت‌ها را در میان شرکت کنندگان مختلف در شرکت، مانند هیات مدیره، مدیران، سهامداران، و سایر ذینفعان تعیین می‌کند و قوانین و روال‌های مورد نیاز برای تصمیم‌گیری را به وضوح توضیح می‌دهد. آن همچنین به توصیف اهداف تعیین شده و ابزارهای لازم برای دستیابی به این اهداف و نظارت عملکرد می‌پردازد (**OECD 1999**).

مطالعات تجربی، که بر ارتباط بین ساختار حاکمیت و انتشار اطلاعات تمرکز دارند، نتیجه گرفتند که پیوندهایی بین برخی مکانیسم‌های حاکمیت و افشای داوطلبانه‌ی اطلاعات وجود دارند. اطلاعات از طریق این مکانیسم‌ها در تخصیص منافع سهامداران و مدیران اجرایی دخیل می‌شوند. طبق نظر ژاکویلات[7] هیات مدیره، با استفاده از حسابرسی داخلی، کنترل نسبت به گزارش مالی را تضمین می‌کند [۷]. از سوی دیگر،

1. Cadbury and Mallin
2. Gray
3. Anglo-Saxon systems
4. Bebchuck and Roe
5. Deffains and Guigou
6. Monks
7. Jacquillat

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

جان و سنبت و فاما[1]استدلال می‌کنند که مشخصات هیات مدیره می‌تواند روی کیفیت گزارش مالی تاثیر بگذارد [۸، ۹]. در واقع، هیات مدیره، منبع اصلی اطلاعات سالانه و فصلی برای سهامداران است [۱۰]. کارکرد اصلی آن، نظارت فعالانه‌ی تیم مدیریت و هدایت مجدد آن در صورت نیاز است [۱۱، ۱۲]. آن مستقیما از طریق رای سهامداران وارد می‌شود و می‌تواند رهبران را وادار به ارائه‌ی اطلاعات با کیفیت بالا کند. طبق نظر میزروچی[2] عضو چند هیات مدیره بودن، منبع اطلاعات مهمی در مورد عملکردها و سیاست‌های شرکت را برای مدیران فراهم می‌کند [۱۳]. آن (عضو چند هیات مدیره بودن)، یک تعیین کننده است که دارای ارتباط مثبتی با درک سهامداران از توانایی آن‌ها برای سهیم شدن در بحث‌های هیات مدیره است [۱۴].

از آن جایی که هیات مدیره، عضوی نظارتی است که اثرگذاری آن ضروری است، تجزیه و تحلیل تاثیر آن روی ارتباط بین کیفیت اطلاعات حسابداری ارائه شده توسط سطح محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد شرکت، جالب خواهد بود. در این راستا، ما به دنبال پاسخ به پرسش زیر هستیم: سهم هیات مدیره در ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد شرکت چیست؟ برای این منظور، ملاحظه‌ی اثر تعدیل کننده‌ی این مکانیسم، ضروری خواهد بود. قرار دادن این تاثیر در محدوده‌ی تجزیه و تحلیل ما به بهبود تحقیقات موجود و تکمیل تجزیه و تحلیل‌هایی که به این مساله می‌پردازند کمک می‌کند.

ادامه‌ی مقاله به صورت زیر سازماندهی می‌شود: ما با مرور مختصری از تحقیقات تجربی آغاز می‌کنیم. توصیف داده‌های نمونه و متغییرها و همچنین ارائه و بحث یافته‌های تجربی ما در بخش بعد انجام خواهد شد.

مرور تحقیقات و توسعه‌ی فرضیه

به عنوان یک مکانیسم داخلی سیستم حاکمیت، هیات مدیره به عنوان یک وسیله‌ی کنترل داخلی که حل تعارض، تدارکات (خرید) و تخصیص منابع و همچنین تعیین انتخاب‌های راهبردی را تضمین می‌کند در نظر گرفته می‌شود. تجزیه و تحلیل نظری هیات مدیره، به ویژه بین نظریه‌های قراردادی (مالی و مشارکتی) و راهبردی (استراتژیک) تمایز ایجاد می‌کند [۱۵].

برای استراتژی‌های سابق، عملکرد هیات مدیره، تعلیم رهبران است، در حالی که برای استراتژی‌های بعدی، آن (عملکرد هیات مدیره) ترجیحا ابزاری شناختی است که به ایجاد مهارت کمک می‌کند. از یک چشم‌انداز انظباطی (تعلیمی)، هدف هیات مدیره، محافظت از منافع سهامداران است [۹، ۱۶، ۱۷]. آن دارای قدرت دخالت، ارزیابی، پرداخت و خاتمه دادن به خدمت رهبران و همچنین تصویب و کنترل تصمیمات راهبردی است. مداخله‌ی هیات مدیره شامل انگیزه‌ی مدیران اجرایی برای موثر واقع شدن از

1. John and Senbet and Fama
2. Mizruchi

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

طریق سیستم‌های پاداش (انعام، اختیارات سهام) یا از طریق تهدید آن‌ها به فسخ قرارداد است. پس از یک مبادله‌ی مالی بی‌کیفیت، هیات مدیره می‌تواند مجازات کند یا فسخ را در نظر بگیرد که هدف آن مجازات رهبران بی‌کفایت و فرصت‌طلب است [۱۸].

در یک چشم‌انداز استراتژیک، هدف مدیران ترجیحا افزایش ثروت سهامداران به وسیله‌ی بهبود موقعیت رقابتی شرکت است. نقش آن (هیات مدیره)، توسط مشارکت و تعهد مدیران در تعریف، انتخاب، و اجرای استراتژی‌های شرکت آشکار می‌شود [۱۹]. وظیفه‌ی شورا به طور کلی شامل بررسی و نظارت استراتژی این تعهد است [۲۰].

گودستین[1] و همکاران، نقش استراتژیک هیات مدیره را به عنوان تعیین کننده‌ی اصلی تغییرات خط‌مشی که به طوری که به سازمان در تطبیق با تغییرات قابل توجه کمک خواهند کرد، تعریف کردند [۲۱]. مدیران، خود، توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شوند [۱۰]. آن‌ها همچنین نقش دو جانبه‌ای را بین حاکمیت سهامداران که از طریق مجمع عمومی بیان می‌شود و جهت کلی شرکت بر یک اساس روزانه ایفا می‌کنند [۲۲]. هیات مدیره، رهبران را وادار به آشکار ساختن استراتژی‌های خود و محدود ساختن قدرت اطلاعاتی خود هنگامی که اطلاعات به سهامداران منتقل می‌شوند می‌کند.

با توجه به چشم‌اندازهای نظری اصلی، واضح است که کیفیت یک هیات مدیره، بر اساس نقش مهم آن در ایجاد ارزش طراحی می‌شود. تاثیر آن روی کیفیت اطلاعات و توجیهات تجربی متناظر آن‌ها را می‌توان به صورت جدول ۱ خلاصه کرد.

1. Goodstein

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

جدول ۱. تاثیر هیات مدیره روی کیفیت اطلاعات

طرح	فرضیات	نظریه‌ی نمایندگی	توجیه تجربی
هیات مدیره	اندازه	کوچک	**Abbot, Parker et Peters (2002) et Davidson et Dahalt (2002), Bedard, Coutreau et Chtourou (2001), Coulton, James et Taylor (2001), Peasnell, Pope et Young Dechow, (1998), Beasley, (1996); Sloan et Sweeney (1996); Lipton et Lorsh (1992).**
هیات مدیره	استقلال هیات مدیره	بزرگ	**Cormier (2007), Mezghani et Ellouze (2007), Cheng et Courtenay and Krishnamurti, Chtourou, Bédard et (2005), Courteau (2001), Chen et Jaggi (2000), Haniffa et Cooke (2000), (1996), Malone, Fries et Beasly Jones (1993), Williamson (1983), Leftiwich, Watts et Zimmerman (1981).**
هیات مدیره	استقلال هیات مدیره	کوچک	**Eng et Mak (2003), Godard et Schatt (2000), Forker (1992).**
هیات مدیره	استقلال هیات مدیره	خنثی	**Coulton, James et Taylor (2001), Wright (1996).**
هیات مدیره	ترکیب عملکردها	بزرگ	**Labelle et Schatt (2005), Gul et Leung (2004), Wong (2001), Forker (1992).**
هیات مدیره	ترکیب عملکردها	کوچک	**Godard et Schatt (2004), Godard et Schatt (2003).**
هیات مدیره	ترکیب عملکردها	خنثی	**Coulton, James et Taylor (2001) et Hanifa et Cooke (2000).**

با این حال، کارایی هیات مدیره وابسته به مشخصات آن است. طبق نظر جان، سنبت و فاما، اندازه، ساختار و ترکیب عملکردها، ویژگی‌هایی از هیات مدیره هستند که ممکن است روی کیفیت اطلاعات تاثیر داشته باشند [۸، ۹]. تمرکز چند مطالعه روی توانایی اندازه‌ی هیات مدیره برای کنترل اختیارات (صلاحدید) رهبر

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

بوده است [۲۵-۲۳]. طبق نظر جنسن، اضافه کردن یک مدیر اضافی ممکن است منجر به افزایش قابلیت کنترل هیات مدیره شود، در حالی که نقش آن توسط هزینه‌های حاشیه‌ای در زمینه‌ی ارتباطات و تصمیم‌گیری تعدیل می‌شود. جنسن، یک اندازه‌ی متوسط هیات مدیره، متشکل از ۷ تا ۸ عضو را پیشنهاد داد [۲۳]. کارایی یک هیات مدیره‌ی بزرگ هنوز می‌توان توسط مشکلات ارتباطی و هماهنگی اعضای آن محدود شود، که این به رهبر، یک حاشیه‌ی آزادی اضافی را ارائه می‌دهد. برای لیپتون و لورش[1] اندازه‌ی هیات مدیره، فرایند ارتباطات را کاهش می‌دهد و تصمیم‌گیری را برای آن مشکل‌تر می‌سازد [۲۶]. طبق نظر زگال[2] و همکاران، اعضا اغلب با مشکلات هماهنگی و ریسک تبانی (سازش) بین خود (اعضا) روبرو می‌شوند [۲۷]. گودارد و اسکات[3] کشف کردند که هیات‌های بزرگ، ناموثر هستند و ممکن است پس از ظهور ائتلاف‌ها و تعارض‌های گروهی تفکیک شوند و مشکلاتی را در رابطه با هر گونه اجماع (توافق) روی تصمیمات مهم و به طور کلی دارای ویژگی تسلط رهبران، که محافظت منافع سهامداران را کاهش می‌دهد، نشان دهند [۲۸]. برخی نویسندگان دیگر، از این ایده حمایت کردند که یک هیات مدیره‌ی کوچک ممکن است کارامدتر باشد [۲۹، ۳۰]. یرماک و ایزنبرگ[4] و همکاران کشف کردند که اندازه‌ی هیات مدیره دارای همبستگی منفی با عملکرد شرکت است [۲۴، ۳۱]. این را می‌توان به وسیله‌ی مشکلات هماهنگی و ریسک تبانی که ممکن است بین اعضای هیات مدیرع رخ دهد توضیح داد، که این امر با اغلب مطالعات سازگار است [۲۷، ۲۹، ۳۰]. سایر نویسندگان، بر اساس اصول انسجام گروهی، ادعا کردند که یک هیات مدیره‌ی کوچک ممکن است کارامدتر باشد [۲۹، ۳۰]. علاوه‌براین، ما باید ساختار رهبری را به منظور تشخیص تاثیر آن روی کیفیت اطلاعات مطالعه کنیم.

کلین نشان داد[5] که ساختار هیات مدیره دارای تاثیر قابل ملاحظه‌ای روی افشای اطلاعات مالی مرتبط و معتبر داشته باشد [۳۲]. طبق نظر پیسنل، پاپ، ینگ، و ویباچ[6] هیات مدیره، مکانیسم کلیدی برای کنترل فرصت‌طلبی رهبری است [۳۳، ۳۴]. آن باید شامل مدیران داخلی و مدیران مستقل خارجی که با توجه به این که شرکت را به خوبی می‌شناسند می‌توانند به تصویب (انعقاد) تصمیم کمک کنند و مدیران خارجی مستقل که می‌توانند کنترل رهبران را تضمین کنند باشد. تافیفی و دوفور[7] بیان کردند که نقش اصلی مدیران مستقل، کنترل رهبران به منظور تضمین عملکرد و محافظت از منافع سهامداران است [۳۵]. در این زمینه، کارایی هیات مدیره، با توجه به میزان استقلال آن از رهبران ارزیابی خواهد شد [۳۶].

علاوه‌براین، فاما و جنسن ادعا کردند که هیات مدیره عمدتا متشکل از مدیران مستقلی است که به نظر می‌رسد دارای تمایل بیشتری به نظارت مدیران اجرای دارند [۱۷]. نویسندگان دیگر کشف کردند که

1. Lipton and Lorsh
2. Zéghal
3. Godard and Schatt
4. Yermack and Eisenberg
5. Klein
6. Peasnel, Pope and Yeung and Weibach
7. Tifafi and Dufour

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

حضور مدیران خارجی مستقل در هیات مدیره، تعارضات نمایندگی و رفتار فرصت‌طلبانه‌ی اثبات شده توسط رهبران را کاهش داد [۳۷، ۳۸]. رزنتین و ویات[1] استدلال می‌کنند که حضور مدیران خارجی مستقل دارای تاثیر مثبتی روی عملکرد شرکت است [۳۹]. از سوی دیگر، وینباچ معتقد است که حضور آن‌ها می‌تواند جایگذاری یک رهبر ناکارامد را کاهش دهد [۳۴]. برای چاروکس، دیلی، دالتون، میزروچی و استرنز[2] هدف از انتصاب مدیران خارجی، کنترل بهتر رهبر و فراهم ساختن مهارت و قضاوت عینی، که تنها با مدیران داخلی که در مدیریت بسیار دخالت دارند می‌تواند تضمین می‌شود، برای هیات مدیره است [۴۰-۴۲] در این زمینه، مطالعات هنیفه و کوک[3] در مورد برخی شرکت‌های فهرست شده‌ی مالزیایی بیان کردند که ارتباط مثبتی بین نسبت مدیران مستقل و کیفیت افشای گزارش سالانه وجود دارد [۴۳]. به طور خلاصه، مدیران داخلی، که مشارکت زیادی در مدیریت داخلی شرکت دارند، دارای قدرت کافی برای مخالفت با تصمیمات رهبران نیستند. آن‌ها (مدیران داخلی) هنوز ممکن است که برای رعایت منافع آن‌ها (رهبران) در معرض فشار آن‌ها (رهبران) قرار گیرند. به طور خلاصه، مدیران خارجی، ابزار مناسبی برای کاهش تعارض‌های نمایندگی بر علیه مدیران داخلی هستند.

ما همچنین باید اثر جمعی مواضع اجرایی شرکت و هیات مدیره روی کیفیت اطلاعات را مطالعه کنیم. در تحقیقات مربوط به تفکیک موقعیت‌ها بین مدیر عامل و رئیس هیات مدیره، نظرات متفاوتی وجود دارند. در حقیقت، برخی، این تفکیک را محکوم می‌کنند در حالی که دیگران از آن حمایت می‌کنند. طبق نظریه‌ی نمایندگی، برای بهبود نظارت، عملکردهای کنترل و تصمیم‌گیری باید باید تفکیک شوند، جنسن نیز این ایده را حمایت می‌کند و بیان می‌کند که عملکرد دوگانه‌ی رئیس و رهبر هیات مدیره به تقویت تعارضات مربوط به منافع کمک می‌کند [۲۳]. علاوه‌براین، برای جنسن، مکلینگ و جنسن، دوگانگی عملکرد می‌تواند کارایی مکانیسم‌های حاکمیت را کاهش دهد و همچنین منبع تعارضات منافع بین مدیران و سهامداران باشد [۱۶، ۲۳]. گودارد و اسکات کشف کردند که ترکیب عملکردها به مدیران این امکان را می‌دهد که از پروژه‌هایی که آغاز کرده‌اند راحت‌تر دفاع کنند اگرچه آن‌ها برای سهامداران ایجاد ارزش نکنند [۲۸]. بنابراین، تفکیک قدرت‌ها برای کاهش هزینه‌های نمایندگی ضروری است. برای برخی محققان، مانند سانلا و لوباتکین[4] و اسریدهاران و مارسینکو[5] دوگانگی عملکردها توصیه می‌شود زیرا این کار به اجتناب از ارتباط نادرست و تناقضات بین انتظارات و اعمال کمک می‌کند و انعطاف‌پذیری بیشتری را برای تسخیر فرصت‌های جدید ارائه می‌دهد [۴۴، ۴۵]. دچنر و دالتون[6] با بررسی معیارهای حسابداری،

1. Rosentein and Wyatt
2. Charreaux, Daily and Dalton and Mizruchi and Stearns
3. Haniffa and Cooke
4. Cannella and Lubatkin
5. Sridharan and Marsinko
6. Rechner and Dalton

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

کشف کردند که شرکت‌هایی که دارای ساختار مدیریتی جداگانه هستند دارای عملکرد بهتری نسبت به شرکت‌های دارای ساختار مدیریت ترکیبی هستند [۴۶].

ما، بر اساس استدلال‌های ذکر شده در بالا، فرض خواهیم کرد که هیات مدیره و مشخصات آن دارای تاثیر تعدیل کننده‌ای روی ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد سازمان هستند. از این‌رو، بحث پیشین، فرضیه‌ی زیر را پیشنهاد می‌دهد:

H. هیات مدیره دارای اثر تعدیل کننده‌ای روی ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد شرکت است.

داده‌ها و توصیف نمونه

نمونه‌ی مطالعه

مطالعه‌ی ما دوره‌ی ۱۳۹۰-۱۳۸۵ را پوشش می‌دهد و روی ۶۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تمرکز می‌کند. انتخاب ما از دوره‌ی مطالعه، توسط تکامل سطح محافظه‌کاری حسابداری به دنبال تصویب استانداردهای **IFRS** در سال ۲۰۰۵توضیح داده می‌شود. این، ما را در جهت تخمین مدل‌های رگرسیون داده‌های پانل، که اثرات انفرادی شرکت‌ها و دوره‌ی تحت مطالعه را ملاحظه می‌کنند، هدایت خواهد کرد. در داده‌های پانل، مدلی که ناهمواریانسی[1]و خود-همبستگی را در نظر می‌گیرد مدل «حداقل مربعات تعمیم یافته‌ی ممکن»[2] (**FGLS**) است، که انتخاب ما درباره‌ی استفاده از این روش جستجو را توضیح می‌دهد. داده‌های حاکمیت و سایر داده ها به صورت دستی از گزارش‌های سالانه‌ی شرکت‌ها که روی سایت سازمان بورس اوراق بهادار تهران قابل دسترس هستند و با استفاده از نرم افزارهایی چون نوین پرداز استخراج شدند. ما شرکت‌هایی که داده‌های آن‌ها از دست رفته بود، شرکت‌های متعلق به بخش‌هایی که عملکرد خاصی را ارائه می‌دهند، مانند بانک‌ها، و شرکت‌هایی که دارای عملکردهای حسابداری که نیاز به ملاحظه‌ی خاصی داشتند و شرکت های که شروع دوره مالی آنها اول فروردین و انتهای دوره مالی ۲۹ اسفند ماه نبود و شرکت های که اطلاعات برخی از سال های آنها در دسترس نبودو شرکت‌هایی که در سال اول (۱۳۸۵)مورد بررسی وارد بورس شده بودند را حذف کرده‌ایم. نمونه‌ی نهایی شامل ۳۶۰ مشاهده‌ی سال-شرکت بود.

مدل پژوهش و اندازه‌گیری

به منظور مطالعه‌ی تاثیر تعدیل کننده‌ی هیات مدیره در ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و عملکردهای شرکت، مدل زیر تست خواهد شد:

---

1. heteroskedasticity
2. Feasible Generalized Least Squares

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

$$PERF_{it} = \beta_0 + \beta_1 (C-SCRORE)_{it-1} + \sum \beta (1+h) X_{it-1} + \sum \beta (4+h) (C-Score)_{it-1} * X_{it-1} + \beta_8 TAILLE_{it-1} + \beta_9 ENDET_{it-1} + \beta_{10} Contentieux_{it-1} + \beta_{11} Verification_{it-1} + \varepsilon_{it} E$$

اندیس‌های **i** و **j** به ترتیب متناظر با شرکت و سال (۲۰۱۰-۲۰۰۷) هستند.

PERF: **عملکرد سازمان**؛ **C-Score**: محافظه‌کاری حسابداری؛ **X**: متغییر مربوط به مشخصات هیات مدیره.

عملکرد شرکت: **PERF**: بررسی مطالعات تجربی موجود، جایگاه غالب اشغال شده توسط معیارهای حسابداری عملکرد شرکت را آشکار می‌کند [۵۰-۴۷]. دغدغه‌ی ما مقایسه‌ی نتایج خود با نتایج اکثریت کارهای پژوهشی که ما را به ابقای شاخص طبیعی حسابداری **ROE** (بازده روی حقوق صاحبان سهام) کرده‌اند می‌باشد.

محافظه‌کاری حسابداری: C-Score: طبق خان و واتز[1] **S-Score**، تغییر در محافظه‌کاری حسابداری در بین شرکت‌ها را منعکس می‌کند [۵۱]. به منظور تخمین سطح محافظه‌کاری، نویسندگان، مدل باسو[2]را تطبیق می‌دهند [۵۲]. مدل باسو، که توسط خان، واتز، احمد، و دالمن تنظیم شده است، منجر به محاسبه‌ی سطح محافظه‌کاری در هر شرکت و برای هر سال می‌شود [۵۱، ۵۳].

متغییرهای هیات مدیره: X: طبق نظر لوبو و ژو[3] شرکت‌ها به طور متوسط پس از تصویب قانون ساربانز-اوکسلی[4] در گزارش‌های مالی، محافظه‌کارتر هستند. به عقیده‌ی **Bessieux-Ollier C**، شرکت‌های فرانسوی و آلمانی دارای سطوح بالاتر محافظه‌کاری، در مقایسه با شرکت‌های آمریکایی، هستند [۵۵]. این را می‌توان توسط مشخصات هیات مدیره توضیح داد. در این رابطه، ما می‌توانیم تایید کنیم که مشکلات نمایندگی منجر به فراخوانی مکانیسم‌های حاکمیتی به عنوان تنظیم کننده‌ی رفتار فرصت‌طلبانه‌ی مدیران می‌شوند. برای این منظور، مطالعه‌ی جامع‌تر مشخصات هیات مدیره و تاثیر آن‌ها روی ارتباط بین عملکردهای شرکت‌ها و محافظه‌کاری حسابداری، ضروری می‌شود (جدول ۲).

نتایج و بحث‌ها

ما در ادامه، به بحث نتایج به دست آمده درباره‌ی اثر تعدیل کننده‌ی هیات مدیره در ارتباط بین محافظه‌کاری و عملکرد حسابداری شرکت‌های فهرست شده می‌پردازیم.

1. Khan and Watts
2. Basu
3. Lobo and Zhou
4. Sarbanes-Oxley Act

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

تجزیه و تحلیل توصیفی

ما در ابتدا آمار توصیفی متغییر به تمامیت متغییرها را گزارش خواهیم کرد. ما آمار توصیفی در طول دوره‌ی ۱۳۹۰-۱۳۸۵ را ارائه می‌دهیم، مانند: میانگین، میانه، ماکسیمم، مینیمم، انحراف استاندارد، چولگی، کورتوز (درجه‌ی اول در یک نمودار آماری)، **Jarque-Bera** (جدول ۳).

ما سپس آمار توصیفی متعلق به متغییرهای دوقطبی (دو-وجهی)[1] را در جدول ۴ ارائه خواهیم داد.

جدول ۲. خلاصه‌ی تعاریف متغییر و اندازه‌گیری‌ها

متغییر	خلاصه	معیارها	مراجع کتابشناختی
معیار عملکرد			
عملکرد	**PERF**	نتایج **ROE=Net**/حقوق صاحبان سهام	**Xu and Wang (1999), Jia et al. (2005) et Omran (2009)**
متغییر محافظه‌کاری			
محافظه‌کاری حسابداری	**C-Score**	C-SCORE i,t=λ0+λ1 (SIZE i,t)+λ2((M/B) i,t)+λ3 (LEV i,t)	**Basu [52] adjusted by Khan Watts and [51], Ahmed and Duellman [53]**
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	**M/B**	ارزش بازار/ارزش دفتری	**Khan and Watts [51]**
اندازه	**SIZE**	مقدار لگاریتم حقوق صاحبان سهام	**Khan and Watts [51]**
تاثیر قدرت نفوذ (اهرم)	**LEV**	کل بدهی‌ها/ارزش بازاری حقوق صاحبان سهام	**Khan and Watts [51]**
متغییرهای هیات مدیره			
اندازه‌ی	**TCA**	کل تعداد مدیران	**Zahra**

1. dichotomous variables

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

هیات مدیره			and Pearce (1989); and John Senbet [8]
مدیران مستقل	ADM_IND	نسبت مدیران مستقل در هیات مدیره	Hermalin and Weisbach (2003)
عملکرد دوگانه	CUMUL	متغییر دودویی = ۱ اگر مدیر عامل به طور همزمان رئیس هیات مدیره نیز باشد و در غیر این صورت ۰	Baliga, and Moyer (1996); Rechner and Dalton [46]
متغییرهای کنترل			
اندازه‌ی شرکت	TAILLE	نسبت داده‌های = کل بدهی‌ها/کل دارایی‌ها	Boubakri et al. (2005); Mak and Kusandi (2002); Villalonga (2000)
تاثیر قدرت نفوذ	ENDET	متغییر دودویی = ۱ اگر شرکت تکنولوژیکی باشد و ۰ در غیر این صورت	Ng et al. (2009); Sun et al. (2002)
دادرسی	Contentieux	متغییر دودویی = ۱ اگر شرکت تحت نظارت یک هیات مدیره‌ی بزرگ باشد و ۰ در غیر اینصورت	Field et al. (2005)
حسابرسی	Vérification	متغییر دودویی = ۱ اگر شرکت متعلق به CAC 40 باشد و ۰ در غیر این صورت	Watts (2003)

جدول ۳. آمار توصیفی

	Mean	Median	Max	Min	Std. Dev.	Skewness	Kurtosis	Jarque-Bera	Probability
PERF	10,705	10,097	1,43,244	-100,459	15,675	1,428	28,555	9863,516	0,000
C_SCORE	0,133	0,126	0,362	-0,162	0,100	-0,015	2,758	0,885	0,642
ADM_IND	6,380	6,500	13,000	0,000	2,750	0,067	2,407	5,515	0,063
ENDETT	0,319	0,235	7,605	0,005	0,512	10,463	1,36,154	271005,300	0,000
LEV	0,319	0,235	7,605	0,005	0,512	10,463	1,36,154	271005,300	0,000
M/B	1,833	1,457	28,423	0,000	1,950	7,914	1,00,055	144246,600	0,000
R	0,026	0,024	0,202	0,000	0,023	2,763	20,581	5066,105	0,000
SIZE	9,489	9,646	13,544	4,257	1,507	-0,079	3,202	0,987	0,611
TAILLE	9,489	9,646	13,544	4,257	1,507	-0,079	3,202	0,987	0,611
TCA	12,556	12,000	22,000	3,000	3,580	-0,182	3,008	1,983	0,371
X/P	2,837	2,608	9,986	-9,426	2,899	-0,416	4,760	56,489	0,000

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

جدول ٤. دوگانگی‌های متغییرها

Variables dichotomiques			
	Modalités	effectifs	Fréquences (%)
Cumul	0 1	159 201	44,2 55,8
Verification	0 1	180 180	50 50
Contentieux	0 1	324 36	90 10

ما توجه می‌کنیم که اندازه‌ی متوسط هیات مدیره، ۱۲. ۵۵ است. به همین ترتیب، متوسط مدیران مستقل برابر با ۶. ۳۸۰ درصد است. در واقع، ما متوجه درصد کوچکی از شاخص‌های مستقل در شرکت‌های فرانسوی می‌شویم. متوسط قابل نسبت دادن به ترکیب عملکردهای موقعیت‌های اجرای شرکت و هیات مدیره، بالاتر از متوسط تفکیک این دو عملکرد، به ترتیب، ۵۵. ۸ و ۴۴. ۲، است. از این‌رو، تفاوت قابل ملاحظه‌ای در شدت و کیفیت اطلاعات حسابداری سنجیده شده توسط درجه‌ی محافظه‌کاری حسابداری وجود دارد (۰. ۱۳۳).

تجزیه و تحلیل همبستگی

قبل از تخمین هر گونه رگرسیون خطی، توصیه می‌شود اطمینان حاصل شود که هیچ گونه چند-خطی بودن[1] در میان متغییرهای توضیحی وجود ندارد. سپس باید چند تست، مانند تست‌های ناهمواریانسی و خود-همبستگی خطا، برای رسیدن به تخمین‌های درست انجام شوند. ما، به منظور کنترل این مساله در سطح نمونه‌ی خود، ضرایب همبستگی پیرسن بین این متغییرها و همچنین «فاکتور تورم واریانس» را محاسبه می‌کنیم (جدول ۵).

بررسی ماتریس همبستگی نشان می‌دهد که همه‌ی ضرایب همبستگی، زیر حد ۰/۹ قرار دارند که مسائل جدی چندخطی بودن معمولا از آن شروع به افزایش می‌کنند. علاوه‌براین، طبق این جدول، می‌توان مشاهده کرد که همه‌ی متغییرهای توضیحی ما دارای یک مقدار «فاکتور تورم واریانس» زیر ۵ هستند، که حد پیشنهاد شده توسط گوجاراتی و کندی[2] است [۵۶، ۵۷]. این نتایج، ما را به این نتیجه‌گیری هدایت می‌کنند که هیچ گونه مساله‌ی جدی چندخطی بودن وجود ندارد.

1. multicollinearity
2. Gujarati and Kennedy

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

جدول ۵. ماتریس همبستگی و تست VIF

	Perf	C-Score	TCA	ADM_IND	CUMUL	Verif	Cont	Taille	Endet	Vif
Perf	1.000									3.33
C-Score	-0.069	1.000								4.01
TCA	0.153	-0.555	1.000							3.05
ADM_IND	-0.443	-0.358	0.475	1.000						1.52
CUMUL	-0.068	0.330	0.108	-0.087	1.000					1.33
Verif	-0.059	0.378	0.472	0.562	0.072	1.000				3.54
Cont	-0.223	-0.056	-0.194	-0.155	0.091	-0.111	1.000			4.04
Taille	-0.099	0.239	-0.608	0.5079	-0.080	0.634	-0.331	1.000		1.56
Endett	-0.026	-0.047	-0.103	-0.098	0.049	-0.166	0.106	-0.212	1.000	1.77

تجزیه و تحلیل رگرسیون

مطالعه‌ی ما نمونه‌ی از ۶۰ شرکت بورسی مشاهده شده در طول چند سال را پوشش می‌دهد، که طبق تعریف، منجر به تخمین مدل رگرسیون تعریف شده بالاتر از همه‌ی داده‌های پانل می‌شود. با توجه به ماهیت ویژه‌ی داده‌های پانل، ترتیب برخی مراحل اقتصادسنجی باید لزوما رعایت شود. در ابتدا باید توجه شود که مدل اثر ثابت رد شد زیرا رگرسیون شامل متغییرهای ساختگی ناوردا در بعد زمانی است. بنابراین، یک تخمین مدل تصادفی استفاده شد و متعاقبا، تست «**Breusch-Paga**»، به نام «تست مضرب لاگرانژ برای تاثیر تصادفی»، برای تشخیص این که آیا اثرات خاص وجود دارند یا نه استفاده شد. به عبارت دیگر، این تست به تشخیص این که کدام مدل باید استفاده شود کمک می‌کند: مدل «یکپارچه» (**pooled**) یا اثر-تصادفی. نتیجه‌ی این تست (جدول ۵)، در آمار کای-دو قابل توجه است (**Prob>Chi2=0. 0000**)، که منجر به این می‌شود که ما، وجود اثرات انفرادی را تایید کنیم. بنابراین، مدل اثر تصادفی، برای تخمین مدل‌های رگرسیون مختلف حفظ می‌شود. از آن به بعد، ناهمواریانسی، توسط انجام تست **Breusch-Pagan**، تست شد. در مورد تست ناهمواریانسی، فرضیه‌ی پوچ، ناهمواریانسی است، که زمانی که همه‌ی باقیمانده‌های در ضرایب رگرسیون برابر با صفر باشند، اتفاق خواهد افتاد. برای انجام این تست، ما باید مربع باقیمانده‌های ناشی از مدل اثر تصادفی را با متغییرهای توضیحی مدل‌های رگرسیون مختلف، تحت رگرسیون (پسرفت) قرار می‌دادیم. به عنوان نتیجه‌ای از این تست (جدول ۵)، آمار فیشر[1] قابل توجهی وجود دارد (**Prob>F=0. 000**). این باعث می‌شود که ما فرضیه‌ی پوچ را رد کنیم و متعاقبا، وجود یک مساله‌ی ناهمواریانسی را تایید کنیم. در این مورد باید روش حداقل مربعات تعمیم یافته (**MCG** یا **GLS**) استفاده شود، که اصلاح را ممکن می‌سازد. اگرچه، به منظور اجرای این روش، ما باید ابتدا شکل ناهمواریانسی را شناسایی کنیم. به همین دلیل، یک تست اصلاح شده‌ی **Wald** با استفاده از برنامه‌ی **STATA** انجام شد. این تست کنترل می‌کند که آیا ناهمواریانسی، بین-فردی است یا نه. تحت فرضیه‌ی پوچ، این تست فرض می‌کند که واریانس خطا برای همه‌ی افراد یکسان است و آمار، از یک کای-دو با درجه‌ی آزادی **N** (که در مورد ما برابر با ۶۰ است) پیروی می‌کند. بر اساس ارزیابی **P**-مقدار

1. Fisher's statistics

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

مربوط به تست کای-دو، فرضیه‌ی پوچ را نمی‌توان پذیرفت. رد این فرضیه، علاوه‌براین، ساختار ناهمواریانسی را مشخص نمی‌کند. نتیجه‌گیری ناهمواریانسی قبلی، بدون هیچ ویژگی اضافی، یکسان باقی می‌ماند. پس از آن، برای خود-همبستگی خطا، ما تست خود-همبستگی درون-فردی **Wooldrigde** را دنبال کردیم. نتایج این تست (جدول ۵)، وجود یک خودهمبستگی سری را تایید می‌کنند (**Prob>F** کوچکتر از ۰/۰۵ است). به طور خلاصه می‌توان بیان کرد که مسائل ناهمواریانسی و خود-همبستگی وجود دارند. در داده‌های پانل، مدلی که وجود ناهمواریانسی و خود-همبستگی را ملاحظه می‌کند مدل حداقل مربعات تعمیم یافته‌ی ممکن (**FGLS**) است (جدول ۶).

جدول ٦. نتایج تخمین‌های FGLS برای تجزیه و تحلیل اثرات تعدیل کننده‌ی هیات مدیره روی ارتباط بین کیفیت اطلاعات حسابداری و عملکرد شرکت

رگرسیون FGLS سری‌های زمانی مقطعی
ضرایب: حداقل مربعات تعمیم یافته‌ی ممکن پانل: ناهمواریانسی یا همبستگی مقطعی
تعداد مشاهدات = ۳۶۰؛ تعداد گروه‌ها = ۶۰؛ دوره‌های زمانی = ۶
متغیر وابسته PERF

متغیرهای مستقل	Modèle 1	Modèle 2	Modèle 3	Modèle 4
	Coeff. (z-stat)	Coeff. (z-stat)	Coeff. (z-stat)	Coeff. (z-stat)
Constante	21,175** (1,999)	32,048*** (3,5508)	25,26*** (2,8015)	21,97*** (0,2604)
C-score	20,038*** (2,0163)	69,339*** (2,84056)	4,8284 (0,1687)	10,6955* (1,9802)
TCA	-0,1638* (-1,9719)	-0,3911*** (-3,97432)		
C-score*TCA	4,078 (1,0274)	-5,3516** (-2,0629)		
ADM_IND	0,652*** (2,2671)		0,2362* (1,7624)	
C-score* ADM_IND	0,2934* (1,9645)		1,5516* (2,0896)	
CUMUL	-4,763*** (-2,2688)			-2,5551* (-1,8532)
C-score*CUMUL	-27,965*** (-2,4266)			-11,722** (-2,068)
VERIFICATION	0,08811 (0,02932)	-0,4442 (-0,16402)	-0,567 (-0,2057)	-0,9895 (-0,3659)
CONTENTIEUX	-9,3624** (-2,4269)	-10,3677*** (-2,9212)	-9,824*** (-2,7202)	-10,107*** (-2,8054)
TAILLE	-1,42319 (-1,2584)	-1,5622 (-1,6053)	-1,3455 (-1,3582)	-1,2322 (-1,3754)
ENDET	-0,24288 (-0,15673)	-0,0875 (-0,0594)	-0,11945 (-,08098)	-0,1421 (-0,0969)
تست مضرب لاگرانژی بروش‌پیاگان برای اثرات تصادفی				
Chi2	52,75	67,27	72,36	68,59
Prob>chi2	(0,000)	(0,000)	(0,000)	(0,000)
تست بروشپاگان برای ناهمواریانسی				
F-statistic	1104,35	906,66	666,43	587,66
Prob>F	(0,000)	(0,000)	(0,000)	(0,000)
تست والد برای ناهمواریانسی				
Wald chi2	304,35	33,02	43,02	43,82
Prob>chi2	(0,000)	(0,000)	(0,000)	(0,000)
تست وودریج برای خودهمبستگی				
F-statistic	70,9553	11,9592	11,3087	17,0685
Prob>F	(0,00000)	(0,000808)	(0,000985)	(0,00003)

*Significant at 10% level ** Significant at 5% level *** Significant at 1% level

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

در ادامه، ما نتایج تخمین **FGLS** مدل‌های رگرسیون مختلف را که اثر تعدیل کننده‌ی مشخصات هیات مدیره روی ارتباط بین کیفیت اطلاعات حسابداری سنجیده شده توسط سطح محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد شرکت را تست می‌کنندتفسیر خواهیم کرد. ما سعی خواهیم کرد بررسی کنیم که آیا تاثیر محافظه‌کاری حسابداری روی عملکرد شرکت، توسط مشخصات مربوط به هیات مدیره تعدیل می‌شود. به عبارت دیگر، نکته‌ای که باید بررسی شود این است که آیا این اثر با توجه به اندازه‌ی هیات مدیره، استقلال مدیران، و ترکیب عملکرد مدیرعامل و رئیس هیات مدیره تغییر می‌کند. جدول زیر، تخمین‌های **FGLS** مدل‌های رگرسیون مختلف شامل متغییرهای مختلف مربوط به هیات مدیره را ارائه می‌دهد. از مدل‌های ۲ تا ۴، ما اثر تعامل هر متغییر، تنها با سطح محافظه‌کاری حسابداری را روی عملکرد شرکت تست می‌کنیم. مدل۱ به طور همزمان شامل همه‌ی متغییرهای مربوط به هیات مدیره و تعاملات آن‌ها با سطح محافظه‌کاری است.

با توجه به اثر تعدیل کننده‌ی هیات مدیره، واضح است که تاثیر تعامل **C-score * TCA** منفی و در سطح ۱۰ درصد برای مدل ۱۰ و در سطح ۱ درصد برای مدل ۲ قابل توجه است. یک چنین نتیجه‌ای نشان می‌دهد که اندازه‌ی هیات مدیره دارای اثر منفی روی تعدیل ارتباط بین سطح محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد شرکت است. این نظریه، با جان ک و سنبت، ل و لیپتون و لورسچ در مطالعه‌ی آن‌ها [۸، ۲۸] مشترک است. نویسندگان، اثر منفی اندازه‌ی هیات مدیره را پشتیبانی می‌کنند. طبق نظر جان ک و سنبت ل، اندازه‌ی هیات مدیره دارای ارتباط منفی با توانایی آن برای کار موثر است. برای لیپتون و لورسچ، اندازه‌ی هیات مدیره کاهش می‌یابد و مانع هر گونه فرایند ارتباطی می‌شود [۸، ۲۶].

مدل‌های ۱ و ۳ جدول زیر نشان می‌دهند که جمله‌ی تعامل **C-Score*AMD_IND**، مثبت و به طور ضعیفی قابل توجه است (در سطح ۱۰ درصد). یک چنین نتیجه‌ای نشان می‌دهد که استقلال هیات مدیره دارای اثر مثبتی روی ارتباط بین محافظه‌کاری و عملکرد شرکت است. بنابراین، این حقیقت که هیات مدیره تحت تاثیر مدیران مستقل است منجر به بهبود عملکرد می‌شود. این با توجه به حقیقت تحریک می‌شود که این مدیران مستقل، با توجه به این که از تاثیر هر گونه نفوذ مدیریتی آزاد هستند، به عنوان بهترین افراد برای کنترل رهبران و محدود ساختن فضای احتیاطی آن‌ها در نظر گرفته می‌شوند. این مدیران لزوما به وسیله‌ی محافظت منافع سهامداران و به حداکثر رساندن ارزش شرکت هدایت می‌شوند. آن‌ها در فرایند تصمیم‌گیری، کنترل و تصویب تصمیمات اتخاذ شده توسط رهبران، به چنان روشی مشارکت فعالانه دارند که تنها پروژه‌های ایجاد کننده‌ی ارزش برای سهامداران باید انجام شوند [۱۷، ۵۸].

مطالعه‌ی تاثیر ترکیب عملکردهای مدیرعامل و رئیس هیات مدیره روی ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد شرکت نشان می‌دهد که این تاثیر (در سطح ۱ درصد) طبق ضریب جمله‌ی تعامل **C-Score * CUMUL** منفی و قابل توجه است. این نتیجه نشان می‌دهد که تاثیر محافظه‌کاری حسابداری روی عملکرد شرکت، در شرکت‌هایی که در آن‌ها مدیرعامل و رئیس هیات مدیره، یک نفر

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

هستند در مقایسه با شرکت‌هایی که در آن‌ها تفکیک هر دو عملکرد وجود دارد، کمتر مطلوب است. یک چنین نتیجه‌گیری همچنین توسط مرور تحقیقات قبلی پشتیبانی می‌شود [۲۸، ۵۹، ۶۰]. این سازگار با ورودی پشتیبانی شده توسط نظریه‌ی نمایندگی است که ترکیب عملکردها را به عنوان منبع بالقوه‌ای برای تعارض منافع در نظر می‌گیرد.

ما در نهایت می‌توانیم اشاره کنیم که نتایج ما سازگار با مطالعات انجام شده توسط جان ک و سنبت ل، لیپتون و لورسچ، فاما و جنسن، زهرا، گودارد و اسکات، و بوید هستند که تاثیر هیات مدیره را روی عملکرد و محافظه‌کاری حسابداری در محدوده‌ی شرکت‌ها نشان داده‌اند [۸، ۱۸، ۲۶، ۲۸، ۵۸-۶۰].

نتیجه‌گیری

ما در این مقاله سعی کردیم اثر تعدیل کننده‌ی هیات مدیره روی ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد شرکت را ارائه دهیم. هدف این کار دوگانه است. ما تاثیر محافظه‌کاری حسابداری روی عملکرد شرکت را درک کردیم و اثر تعدیل کننده‌ی هیات مدیره روی ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد شرکت را شناسایی کردیم. مفهموم عملی مطالعه‌ی ما شامل مطالعه‌ی تاثیر تعامل هیات مدیره و محافظه‌کاری حسابداری روی عملکرد شرکت است. در این رابطه، متغییر تعدیل کننده‌ی ما، یعنی هیات مدیره، جهت و نیروی تاثیر محافظه‌کاری حسابداری روی عملکرد شرکت را تعدیل می‌کند. شناسایی اثر تعدیل کننده‌ی هیات مدیره دارای اهمیت زیادی است زیرا تعدیل، اهمیت ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد شرکت را افزایش می‌دهد. در عین حال، نادیده گرفتن چنین تاثیری ممکن است منجر به نتیجه‌گیری درباره‌ی اثر احتمالی سطح پایین محافظه‌کاری حسابداری روی عملکرد شرکت شود. یک مطالعه‌ی تجربی برای تست اعتبار فرضیات ظاهر شده از تحقیقات قبلی برای تایید یا رد نتیجه‌گیری‌ها به دست آمده انجام شد. نتایج ما سازگار با نتایج برخی از مطالعات پیشین هستند. آن‌ها، در حقیقت، تصمیم‌گیری در مورد اهمیت هیات مدیره به عنوان یک مکانیسم مرکزی حاکمیت در تعدیل ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد شرکت را ممکن می‌سازد. در نتیجه، علی رغم نتایج کشف شده، به نظر می‌رسد که توسل به مدیران مستقل، در تعدیل ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد شرکت، موثرتر است. علاوه‌براین، تفکیک مدیرعامل و هیات مدیره برای تعدیل بهتر ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد شرکت، موثرتر خواهد بود. به طور مشابه، راهنمایی‌های کوچک، در تعدیل ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد شرکت، موثرتر واقع خواهند شد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

فهرست منابع و مآخذ

__ Aghaei M. A. , Etemadi, H. , Azar A. and Chalaki P. (2009). The Characteristics of Corporate Governance and Information Content of Profit in Tehran Stock Exchange with Emphasis on the Role of Profit Management. Journal of Iranian Management Science, 4(16), 27-58. (in Persian)

__ Aghaie, M. , Chalaki, P. (2010). Studding the Relationship between Corporate Governance attributes and the Information Content of Accounting Earnings: The Role of Earnings Management. Iranian journal of management sciences, (3), 1-24. (in Persian)

__ Agrawal, A. , & Chadha, S. (2005). Corporate Governance and Accounting Scandals. Journal of Law and Economics, 43(2), 371-406.

__ Ahmadpour, A. , Ahmadi, A. (2010). Using the Financial Information's Qualitative Characteristics for Evaluating Earning Quality. Journal of Accounting and Auditing Review, 15(52), 3-16. (in Persian)

__ Ahmadpour, A. , Ghahramani, H. (2010). Study of accounting information's reliability qualitative characteristic in earning quality measures of Companies. Journal of Accounting and Auditing Review, 16(58), 3-19. (in Persian)

__ Ashiq, A. , Zhang, W. (2015). CEO tenure and earnings management. Journal of Accounting and Economics, 59(1), 60-79.

__ Arabsalehi, M. , Ziaie, M. (2010). Relationship between governance system and earnings quality in companies accepted in Tehran Stock Exchange. Quarterly Financial Accounting, 2(5), 39-56.

__ Baradaran Hassanzadeh, R. , Taghizadeh, H. , Rezai, A. (2011). The Study of Effect of Ownership Structure on Information Content of Earnings in Tehran Stock Exchange. Journal of Financial Accounting Research, 3(2), 107-124. (in Persian)

__ Barth, M. E. , Beaver, W. H. , Landsman, W. (2001). The relevance of value relevance research for financial accounting standard setting: Another view. Journal of Accounting and Economics, 31, 77-104.

__ Barua, A. (2006). Using the FASB's qualitative characteristics in earnings quality measures. PhD dissertation. University of Chittagong.

__ Basu S. (1997). The Conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings. Journal of Accounting and Economics, 24(1), 3-37.

__ Beasley, M. (1996). An Empirical Analysis of the Relation between the Board of Director Composition and Financial Statement Fraud. The Accounting Review, 71(4), 443–464.

__ Bebchuck, L. , Cohen, A. (2004). The costs of entrenched boards. Working Paper. Harvard Law School.

__ Beekes, W. , & Brown, P. (2006). Better-Governed Australian Firms make More Informative Disclosures. Journal of Business Finance and Accounting, 33 (3), 422-450.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

__ Blue Ribbon Committee (1999). Report and Recommendations of the Blue Ribbon Committee on Improving the Effectiveness of Corporate Audit Committees. New York: New York Stock Exchange and National Asso ciation of Securities Dealers.

__ Bodaghi, H. , Bazaz Zadeh, H. (2007). Relationship between Disclosure Quality and Earnings Management. Empirical Studies in Financial Accounting, 5(17), 173-212. (in Persian)

__ Burgstahler, D. , & Eames, M. (2006). Management of Earnings and Analysts' Forecasts to Achieve Zero and Small Positive Earnings Surprises. Journal of Business Finance & Accounting, 33, 633–652.

__ Busham, R. M. , Smith, A. J. (2001). Financial accounting information and corporate governance. Journal of Accounting and Economy, 32, 237–333.

__ Byard, D. , Li, Y. , & Weintrop, J. (2006). Corporate governance and the quality of financial analysts' information. Journal of Accounting and Public Policy, 25(5), 609-625.

__ Carcello, J. , & Neal, T. L. (2000). Audit committee composition and auditor reporting. The Accounting Review, 75(4), 453-468.

__ Collins, W. D. , Kothari, S. P. (1989). An analysis of intertemporal and cross-sectional determinants of earnings response coefficients. Journal of Accounting and Economics, 11(2-3), 143-181.

__ Dechow, P. M. , Sloan, R. G. , & Sweeney, A. P. (1995). Detecting Earnings Management. The Accounting Review, 70(2), 193 -225.

__ Fairfield, P. , Sweeney, R. , Yohn, T. (1999). Accounting classification and the predictive content of earnings. The Accounting Review, 71 (3), 337-355.

__ Francis, J. , Olsson, P. , & Schipper, K. (2008). Earnings Quality. Foundations and Trends® in Accounting, 1(4), 259-340.

__ Hassas Ycganeh, Y. , Yazdanian, N. (2007). The Effect of Corporate Governance on Decrease Earning Management. Empirical Studies in Financial Accounting, 5(17), 151-171. (in Persian)

__ Hassas Yeagneh. (2009). Corporate Governance and Directing Board. The Collection of Articles on Corporate Governance. (in Persian)

__ Healy, P. M. , Palepu, K. G. and Ruback, R. S. (1992). Does Corporate Performance Improve After Mergers? Journal of Financial Economi

__ International Accounting Standards Board (2010). The Conceptual Framework for Financial Reporting, 30 Cannon Street, London EC4M 6XH, United Kingdom.

__ Jensen, M. C. , & Meckling, W. H. (1976). Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure. Journal of Financial Economics, 3(4), 305-360.

__ Jiang, W. , Lee, P. , & Anandarajan, A. (2008). The Association between Corporate Governance and Earnings Quality: Further Evidence Using the

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

GOV-Score. Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting, 24,191-201.

__ Klein, A. (2002). Audit Committee, Board of Director Characteristics, and Earnings Management. Journal of Accounting and Economics, 33(3), 375–400.

__ Krishnan, J. (2001). Corporate governance and internal control: An empirical analysis. AmericanAccounting Association Annual Meeting. Atlanta, Georgia.

__ Krugman, P. (2002). The insider game. New York Times (July 12).

__ Larcker, D. , Richardson, S. , & Tuna, I. (2004). Does corporate governance really matter? Working paper, The Wharton School.

__ Levitt, Jr, A. (1998). The numbers game. The CPA Journal, 68(12), 14-19.

__ Loomis, C. J. (1999). Lies, damned lies, and managed earnings. Fortune (August 2).

__ Mashayekh, M. , Esmaeili, M. (2006). Earning quality and Corporate Governance in listed firms in TSE. The Iranian accounting and auditing review, 13(3), 25-44.

__ McDaniel, L. , Martin, R. D. , Maines, L. A. (2002(. Evaluating financial reporting quality: The effects of financial expertise versus financial literacy. The Accounting Review, 77, 139-167.

__ McMullen, D. A. (1996). Audit committee performance: An investigation of the consequences associated with audit committees. Auditing: A Journal of Practice and Theory, 1 -28.

__ Mehrani, K. , Safarzadeh, M. H. (2011). Determination of relations between corporate governance and profit quality to native approach. Accounting knowledge, 2(7), 69-98. (in Persian)

__ Nelson, M. , Elliot, J. , & Tarpley, R. (2002). Evidence from auditors about managers' and auditors' earnings management decisions. The Accounting Review, 77, 175 -202.

__ Noravesh, I. , Hosseini, S. (2009). Corporate Disclosure Quality (consist of timeliness and reliability) and Earnings Management. Journal of Accounting and Auditing Review, 20(2), 133-147. (in Persian)

__ OECD Principles of Corporate Governance (2004). Organization for economic co-operation and development. Principe's degouvernement d'entreprise de l'OCDE publication. Paris, France.

__ Palmrose, Z. , Scholz, S. (2002). The accounting causes and legal consequences of non-GAAP Reporting: Evidence from restatements. Contemporary Accounting Research Conference. (November).

__ Penman, S. , Zhang, X. (2002). Accounting Conservatism, the Quality of Earnings, and Stock Returns. The Accounting Review, 77(2), 237-264.

__ Petra, S. (2007). The effects of Corporate Governance on the Effectiveness of Earnings. Economics of Governance,

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

__ Ramsay, I. (2001). Ramsay Report. Independence of Australian company auditors. Review of current Australian requirements and proposals for reform. http//www.treasury.gov.au.

__ Sánchez-Ballesta, J. P. , & García-Meca, E. (2007). Ownership Structure, Discretionary Accruals and the Informativeness of Earnings. Corporate Governance: An International Review, 15(4), 677–691.

__ Sarbanes, P. , & Oxley, M. (2002). Sarbanes -Oxley Act of 2002. Washington, DC: U. S. Congress.

__ Setayesh, M. , Ebrahimi, F. (2011). Effects of Corporate Governance on Earnings Informativeness of the Companies in Tehran Stock Exchange. Accounting Knowledge, (8), 31-48. (in Persian)

__ Shorozi, M. (2008). Using quality attributes in conceptual framework of financial reporting for evaluating audit quality. PhD dissertation, Science and research unit, Azad University. (in Persian)

__ Watts, R. L. , Zimmerman, J. L. (1986). Positive accounting theory. Prentice-Hall.

__ Wu, M. (2002). Earnings restatements: A capital market perspective. Working paper, New York University.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]